

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Vanguard Woman

زن پیشواز

سیامک ستوده

۱۷ فبروری ۲۰۱۲

گلشيفته فراهانی

خراشی بر پوست شب

برای ما کمونیست ها تصاویر عریان و اعتراضی گلشيفته فراهانی به خصوص در غوقای بی پایان اعتراضات و شورش های دوران سازی که امروزه سراسر جهان را فرا گرفته است واقعه چندان غریبی نیست. ما نه پای بند اخلاقیات کهنه قرون وسطانی هستیم که از عریانی زیبایی طبیعت بهراسیم، نه آنقدر کوتاه بین و سطحی نگریم که در مبارزه با عمق تاریکی، با تنها خراشی بر پوست شب به وجد و سرور در آییم.

همانگونه که مذهب با پوشاندن تن سعی در اسارت زن می کند، لیبرالیسم بورژوائی نیز می کوشد تا با سلاح عریانی زن به مقابله با آن برخیزد. جدال بین بورژوازی و ارتجاع مذهبی ماقبل سرمایه داری نه بر سر نفس اسارت- که ریشه های اقتصادی دارد، بلکه بر سر شکل آن، یعنی شکل آزاد و مستبدانه آنست. از آنجا که حجاب اوج تحمیق جنسی و مذهبی و در نهایت اسارت زن است، بی شک، شکستن آن نیز یگ گام در راه آزادی وی به شمار می رود. اما آزادی زن، مانند هر مفهوم دیگری، یک مفهوم کلی و انتزاعی است. چیزی جز شکستن و رهائی از قیود موجود و در اینجا فنودالی را معنا نمی دهد. لذا، تنها در اشکال کنکرت و مشخص آنست که تعیین تکلیف می شود.

عریانی زن تنها بیان حق او در انتخاب میان پوشاندن یا نپوشاندن تن است. بیان شورش او علیه قیود کهنه ماقبل سرمایه داری و نه هیچ چیز دیگر. چنین شورش هر چند می تواند گامی در مسیر رهائی نهائی او باشد، ولی در ضمن می تواند مقدمه ای باشد برای لغزیدن در اسارتی از نوع دیگر، اسارت تن فروشی مدرن که به عنوان سمبل مدرنیته بورژوائی در سرمایه داری غرب به شدت رنگ آمیزی و معمول شده است.

از اینرو، عریانی لزوماً به معنای آزادی زن نیست. این تعریفی است که بورژوازی از آن برای مقاصد خود به دست می‌دهد. چرا که از آزادی زن تنها آزادی او از تملک شوهر، آنهم برای عرضه شدن کالائی جنسیت وی در بازار صنعت سکس را طلب می‌کند. همانطور که از آزادی دهقان تنها تبدیل شدن وی به کارگر، یعنی کالائی شدن نیروی کار وی را دنبال می‌نماید. به این ترتیب است که او از مبارزه زن در راه رهائی خود تنها از حق زن در شورش علیه حجاب، یعنی حق او در عریان بودن حمایت می‌کند.

بنابراین، نهضت عریان سازی هر چند بیان شورش زن برای رهائی، ولی لزوماً به معنای خود این رهائی نیست. بورژوازی، در حالی که از این حق دفاع می‌کند و آن را به پرچم مبارزه خود برای آزادی زن تبدیل می‌نماید، در همانحال هر قدمی را نیز که زن برای رهائی بیشتر، رهائی واقعی خود، به جلو بر می‌دارد، سد و سرکوب می‌نماید. همین کار را در مورد دین و هر عرصه دیگری انجام می‌دهد. در آنجا نیز در مبارزه با دین، در بهترین حالت، نه با خود افیون دین، بلکه با تحمیل استبدادی و اجباری آن مخالفت می‌کند، یعنی تنها از آزادی دین و حق انتخاب دین، دفاع می‌نماید. یا با پروتستانیزم همراه می‌شود، ولی آنا بابتیسم افراطی* را سرکوب می‌کند.

اساساً دفاع بورژوازی از آزادی، دمکراسی، برابری و ... نمی‌تواند ناپیگیر نباشد. چرا که نوع پیگیر و واقعی آن به محور خود وی منجر می‌گردد. آزادی زن، انسان، و برابری واقعی تا حد برابری اقتصادی، همگی مغایر با سلطه سرمایه اند. از اینرو، بورژوازی با خود اسارت زن مخالف نیست. با شکل اجباری آن، یعنی نوع ماقبل سرمایه داری آن، مخالف است. همانطور که دمکراسی بورژوائی نه با خود سلطه طبقاتی، بلکه، در بهترین حالت، تنها با شکل زورگویانه و غیر دمکراتیک آن در تقابل است.

عریانی گلشیفته فراهانی، تنها جلوه ای از شورش تاریخی زن علیه قیود فئودالی و نه سرنوشت این شورش و انقلاب است. بیان حق او در دست رد زدن به قیود مزبور و نه انتخاب جایگزین آنست. یک عریانگرانی شورش گر، کور و بدون هدف است. تاریخ بعدی آن نامعلوم است. نامعلوم در این که مقدمه رهسپار به کدام دیار است. به عریانگری و مدرنیته فاسد هالیوودی یا آزادی عریان و واقعی انسانی. از اینرو، محکوم کردن آن، محکوم کردن حق زن در انتخاب پوشش، و از اینرو نادرست، و تأیید بلاشرط آن نیز محدود ماندن در دایره نقد بورژوائی از اسارت زن و مسأله حجاب است.

آنا بابتیسم های افراطی یکی از سکت های آنا بابتیسم بودند که در مونستر المان در ادامه نهضت پروتستانیزم در قرن ۱۶ تا اشتراکی کردن اموال و زنان پیش رفتند و با همدستی پروتستان ها و نیروهای مسلح پرنس های کاتولیک سرکوب و مضمحل شدند.